دادگاه خانواده

میهمانی مجردی کار دست مرد متأهل داد

گروه حوادث/ سیامک همان‌طور که روی نیمکت لم داده بود به سمیرا نگاهی کرد و گفت: چرا دست از لجبازی و خودخواهی برنمی‌داری؟ من کاری نکردم که تو تصمیم به جدایی گرفتی. تو دخترتحصیلکرده‌وروشنفکری هستی این تصمیم عجولانه‌وغیرمنطقی ازتوبعیداست.باورکن من هیچ‌وقت به تو خیانت نکردم ارتباط من در حد یک دوستی معمولی بوده.

سمیرا ابروهایش را درهم کشید و با تحکم پاسخ داد: اینجا هم دست از حرف‌های تکراری و بی‌ارزشت برنمی داری؟ فکر کردی من همان دختر چشم و گوش بسته یک سال پیشم که خام حرف ووعده‌های تو شدم؟ دوست معمولی؟ واقعاً ارتباط با جنس مخالف را اینقدر راحت تفسیر می‌کنی؟ حاضری من با یک مرد دوستی معمولی داشته باشم؟

سیامک با حالتی پرخاشگرانه چشم غره‌ای به سمیرا رفت و گفت: من یک مرد هستم و تو یک زنی، من می‌دانم که چارچوب دوستی هایم را چگونه تعریف کنم که کسی وارد حریم خصوصی مانشود.

سمیرا سرش را به علامت تأسف تکانی داد و گفت برای خودم متأسفم!

لحظاتی بعد منشی دادگاه زوج جوان را به داخل شعبه فراخواند... سیامک و سمیرا با چند گام فاصله وارد شعبه شدند.

قاضی دادگاه پس از دقایقی که مشغول خواندن دادخواست بود سرش را بلند کرد و رو به سیامک گفت: میهمانی رفتن را دوست داری؟

سیامک تا خواست توضیحی بدهد، سمیرا به یکباره گفت: جناب قاضی میهمانی رفتن را دوست دارد. ارتباط با جنس مخالف را دوست دارد. خوشگذرانی با رفقایش را دوست دارد و برای موجه کردن هرکدام هم دلایلی می‌تراشد که فقط خودش آن را قبول دارد!

قاضی از سیامک پرسید: چند هفته دیگر باید سالگرد ازدواج‌تان را برگزار کنید. چرا حالا اینجایید؟ چطور باهم آشنا شدید؟

سیامک با نگاهی حق به جانب پاسخ داد: از همسرم بپرسید که توهم توطئه دارد. ما حدود یکسال و نیم پیش در یک میهمانی باهم آشنا شدیم. در همان برخورد اول احساس کردم با دخترهای دیگر فرق می‌کند و بلافاصله به او پیشنهاد دوستی دادم و سمیرا هم پذیرفت. چند ماه بعد هم به‌خاطر علاقه‌ای که به هم پیدا کردیم تصمیم گرفتیم باهم ازدواج کنیم.

قاضی از سمیرا سؤال کرد: با توجه به اینکه در یک میهمانی باهم آشنا شدید آیا از او تحقیق کردی؟

سمیرا گفت: سیامک آنقدر خوش بیان و زیرک بود که تقریباً هر دختری با او ارتباط برقرار کند شیفته او می‌شود. آنقدر حرف‌های قشنگ زد و وعده‌های شیرینی را مطرح کرد که احساس کردم نباید در دادن جواب مثبت لحظه‌ای تردید کنم.

قاضی پرسید: مشکل از کجا شروع شد؟

سمیرا جواب داد: معمولاً هفته‌ای یکبار با دوستان‌مان میهمانی و دورهمی می‌گرفتیم و من و سیامک هم، باهم می‌رفتیم آخرین بار جلوی همه دوستان‌مان انگشتری به من داد و از من خواستگاری کرد و هفته بعد از آن هم خانواده‌ها در جریان قرار گرفتند و ما با هم ازدواج کردیم. اما آن مراسم خواستگاری غیررسمی آخرین باری بود که من و سیامک به‌صورت مشترک به میهمانی رفتیم و از آن به بعد همسرم به بهانه اینکه من متأهل شده‌ام دیگر اجازه نداد در میهمانی‌های مجردی شرکت کنم اما خودش در همه مجالس شرکت کرد. بارها اعتراض کردم که اگر جای مناسبی برای من نیست پس جای مناسبی برای همسر من هم نیست اما سیامک با دلایلی که فقط خودش آن را قبول دارد عنوان کرد که من مرد هستم و اشکالی ندارد که بروم.

سمیرا ادامه داد: در نهایت چند ماه پیش سیامک را با چند دختر در یک میهمانی دستگیر کردند و بعد از خبردار شدن تصمیم داشتم از او جدا شوم اما به دست و پای من افتاد و به من قول داد که دیگر به میهمانی نرود و من هم به‌خاطر حفظ آبرو و زندگی‌ام گذشت کردم و او را بخشیدم. با این حال ۳ هفته بعد دوباره به میهمانی دیگری رفت و فهمیدم که او نمی‌تواند دست از کارهایش بردارد.

قاضی به سیامک گفت: مگر قول نداده بودی؟ چرا دوباره بدون همسرت در میهمانی دوستانت شرکت کردی؟

سیامک گفت: جناب قاضی بحث سمیرا شرکت کردن در میهمانی نیست او فکر می‌کند من خیانت می‌کنم و با دخترها در ارتباط هستم.

سمیرا حرف سیامک را قطع کرد و با صدای بلند پرسید: مگر ارتباط نداری؟ مگر بعد از هر میهمانی حداقل چند دختر با تلفنت تماس نمی‌گیرند؟

سیامک گفت: آنها دوستان معمولی‌ام هستند و هیچ ارتباط خاصی هم بین ما نیست. من زمانی که تو را انتخاب کردم بر این باور بودم که تو تحصیلکرده و روشنفکر و اجتماعی هستی واقعاً اگر می‌دانستم اینقدر نگاه بسته‌ای داری هرگز با تو ازدواج نمی‌کردم!

سمیرا با تعجب نگاهی به قاضی کرد و گفت: جناب قاضی می‌بینید؟! اگر در مقابل کارهایش لبخند می‌زدم و سکوت می‌کردم الان یک دختر اجتماعی و روشنفکر و فهمیده بودم اما وقتی به فکر زندگی و همسرم هستم یک دختر کوته فکر و غیراجتماعی‌ام.

سمیرا قدری آب خورد و گفت: من حاضر نیستم با مردی که به جای خانواده فقط به دنبال خوشگذرانی است زندگی کنم.

سیامک هم که ظاهراً از تصمیم سمیرا تعجب نکرده بود خیلی خونسرد گفت: اگر می‌توانی من را با این شرایط تحمل کنی که هیچ، اگر نمی‌توانی بهتر است از هم جدا شویم.

سمیرا در جواب گفت: باشه جدا می‌شویم و همه مهریه‌ام را هم همین الان اجرا می‌گذارم تا بعد از آن راحت‌تر به کارهایت برسی!

قاضی رو به مرد جوان کرد و گفت: اگر به مجلسی می‌روی که جای موجهی نیست قطعاً خودت هم به‌عنوان یک مرد متأهل نباید به آنجا بروی. حالا هم می‌نویسم که یک ماه در کلاس‌های مشاوره شرکت می‌کنید تا پس از آن در موردتان تصمیم‌گیری کنم.

■ **امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده**

متأسفانه نبود آشنایی صحیح، انتخاب هیجانی، بی‌تعهدی و نبود صداقت در رفتار و گفتار مرد جوان باعث شده این زوج جوان دچار مشکلات متعددی شوند، البته سمیرا هم باید می‌دانست که آشنایی در یک میهمانی و بدون تحقیق پاسخ مثبت دادن به سیامک ممکن است برایش مشکل ساز شود. از طرفی باید بگویم که بزرگ‌ترین اشتباه سیامک این است که با داشتن همسر همچنان به‌دنبال روابط دوران مجردی است که ضربه مهلکی بر زندگی اش وارد می‌کند. با این حال زوج جوان باید با نگرشی تازه زندگی مجردی را از زندگی متأهلی تفکیک کنند.

مرگ مرموز پسر ۶ ساله در پارک رازی

فرضیه برق گرفتگی کودک در حالی بررسی است

گروه حوادث/ راز گشایی از مرگ مرموز پسر ۶ ساله که هنگام بازی در پارک رازی تهران جان باخت در حالی آغاز شده است که تیم جنایی فرضیه برق گرفتگی بر اثر اتصالی تیر چراغ برق را در دست بررسی دارند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از صبح روز پنجشنبه بیستم خرداد با گزارش مرگ پسری ۶ ساله از سوی مأموران کلانتری ۱۱۵ رازی به حبیب‌الله صادقی بازپرس کشیک قتل پایتخت آغاز شد و در ادامه تحقیقات درخصوص علت حادثه در دستور کار مأموران قرار گرفت. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که ساعت ۸ شب چهارشنبه نوزدهم خرداد کودک ۶ ساله‌ای به نام امیرعلی به بیمارستان منتقل شده است که علی‌رغم تلاش پزشکان امیرعلی ساعاتی بعد تسلیم مرگ شد.

در ادامه تحقیقات مشخص شد که امیرعلی بر اثر برق گرفتگی ناشی از تیر چراغ برق پارک رازی دچار حادثه شده است. با مشخص شدن این موضوع، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور تشکیل هیأت کارشناسی برای مشخص شدن علت دقیق مرگ و شناسایی مقصران این حادثه را صادر کرد و علاوه بر آن دستور تحقیقات میدانی، بازبینی دوربین‌های مداربسته پارک نیز صادر شد.

پدر و مادر امیرعلی که هنوز در شوک مرگ فرزند خردسال‌شان هستند نمی‌توانند از غصه مرگ تنها پسرشان کلمه ای به زبان بیاورند صحبت کنند و به ناچار با روح‌الله دادمان عموی امیرعلی گفت‌وگو کردیم. او درباره این ماجرا گفت: معمولاً عصرها بچه‌های‌مان را به پارک رازی که در نزدیکی خانه ما و برادرم بود می‌بردیم و عصر روز چهارشنبه بچه‌ها در حال دوچرخه‌سواری بودند و ما در نزدیکی آنها نشسته بودیم که امیرعلی دوچرخه‌اش را کنار گذاشت و کفش‌هایش را درآورد تا استراحت کند. ناگهان صدای داد و فریاد شنیدیم و دیدیم امیرعلی در باغچه کنار یکی از تیرهای برق افتاده و ۲ نفر هم در حال احیای او هستند. بلافاصله خودمان را به امیرعلی رساندیم. ما نمی‌دانیم که چه اتفاقی برای او افتاد اما یک رهگذر به ما گفت امیرعلی بچه گربه‌ای را دیده و به‌دنبال بچه گربه وارد باغچه شده و معلوم نیست که آیا در آن زمان دست یا پایش به تیر چراغ برق خورده و باعث شده او دچار برق گرفتگی شود. پارک خیلی شلوغ بود و ما ندیدیم که چه اتفاقی رخ داده است. سیمی هم در کنار تیربرق ندیدیم.

عموی امیرعلی در ادامه گفت: زمانی که امیرعلی داخل باغچه افتاده بود یک پسر نوجوان که شاهد ماجرا بود به من گفت دیروز هم همینجا من دچار برق گرفتگی شدم که اتفاق خاصی برایم نیفتاد و شما هم نگران نباشید. امیرعلی بچه مؤدب و بسیار دوست داشتنی بود و دلش می‌خواست آتش‌نشان شود. جگرگوشه‌مان جلوی چشمانمان پرپر شد. حالا هم ما از افرادی که مقصر این ماجرا هستند، شکایت داریم.

مسافرنماها در انتظار صدور حکم

گروه حوادث/ ۲ مرد جوان که در پوشش مسافر از ۱۴ راننده به روش خفت‌گیری سرقت کرده بودند صبح روز گذشته در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اواخر سال ۹۷ با شکایت مرد جوانی که مدعی بود در دام یک مسافرنما و همدستش افتاده و با تهدید چاقو مورد سرقت قرار گرفته، آغاز شد.

پس از شکایت مرد جوان مأموران شناسایی عاملان زورگیری و سرقت را در دستور کار قرار دادند تا اینکه شکایت مشابه دیگری به دست پلیس رسید و بعد از آن هم شکایات مشابه دیگری ثبت شد و این تعدد شکایات گویای آن بود که ۲ مرد زورگیر در طول یکسال از ۱۴ نفر زورگیری کرده‌اند.

در ادامه مأموران موفق شدند دو سارق زورگیر به‌نام‌های رضا و حسن را شناسایی و دستگیر کنند و آنها در همان بازجویی‌های اولیه به ۱۴ فقره خفت‌گیری اعتراف کردند و پرونده‌شان با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در جلسه محاکمه نماینده دادستان پس از قرائت کیفرخواست، برای رضا ۳۰ ساله به اتهام ۱۴ فقره سرقت با سلاح سرد و آزار و اذیت و برای حسن ۲۵ ساله به اتهام معاونت در این جرایم درخواست اشد مجازات کرد.

بعد از آن اولین شاکی به جایگاه رفت و گفت: اواخر اسفند ماه سال ۹۷ با ماشینم مسافرکشی می‌کردم که ۲ نفر از من خواستند به‌صورت دربست آنها را به ورامین ببرم. در میانه راه آنها با تهدید چاقو جیبم را خالی کردند و من را از ماشینم بیرون انداختند و خودروام را هم سرقت کردند. من بابت سرقت از آنها شاکی هستم اما آنچه اوضاع مرا به هم ریخته آسیب روحی است که در این یکسال به من وارد شده است. متهمان آن شب سرم را زیر لاستیک ماشین نگه داشتند و تهدید کردند

اگر گوشی موبایل و پول‌هایم را به آنها ندهم با ماشین از روی سرم رد می‌شوند. هنوز بعد از یکسال کابوس آن شب رهایم نمی‌کند. حالا هم که آنها دستگیر شده‌اند از طرف آنها تهدید به مرگ شده‌ام. حتی مادر یکی از متهمان در راهروی دادگاه به من فحاشی می‌کند. با این حال من در مورد رضا شکایتی ندارم اما برای حسن که برایم چاقو کشید و من را تهدید به مرگ کرد درخواست اشد مجازات دارم.

پس از آن دومین شاکی به جایگاه رفت و گفت: یازدهم اسفند ماه سال ۹۸ این ۲ متهم را در اتوبان امام علی سوار خودروام کردم تا به‌صورت دربستی آنها را به قیام‌دشت ببرم. اما در میانه راه آنها از من خواستند مسیرم را به سمت شهرک انقلاب تغییر دهم و دقایقی بعد هم حسن چاقویش را زیر گلویم گذاشت و تلفن همراه، کارت عابربانک و پول‌هایم را گرفت. بعد هم رضا اسلحه‌ای از جیبش بیرون آورد و من را تهدید به مرگ کرد. سپس مرا از ماشینم بیرون انداختند و خودروام را دزدیدند. متهمان حتی برای ۳ دوستم پیامکی با این عنوان که به پول نیاز دارم ارسال کردند و آنها هم که فکر می‌کردند من پیامک را داده‌ام ۲ میلیون تومان پول واریز کردند.

در ادامه هم سایر شاکی‌ها به جایگاه رفتند و پس از شرح ماجرا برای متهمان درخواست اشد مجازات کردند.

بعد از آن حسن به جایگاه رفت و گفت: من در یک شرکت اپراتور بودم اما پس از فوت پدرم مجبور شدم علاوه بر مخارج زندگی خودم، هزینه‌های زندگی مادرم را هم تأمین کنم و چون نمی‌توانستم از پس مخارج بربیایم به ناچار تصمیم گرفتم با خفت گیری و سرقت پول به دست بیاورم. من ۱۴ فقره خفت‌گیری را قبول ندارم و فقط ۵ بار دست به سرقت زدم و تاکنون هم رضایت ۳ نفر از شاکی‌ها را گرفته ام. من در پلیس آگاهی تحت فشار به ۱۴ فقره اعتراف کردم.

این متهم درباره حمل سلاح هم گفت: من اسلحه نداشتم. فندکی داشتم که شبیه به اسلحه بود و یکی از شاکی‌ها را با آن تهدید کردم.

رضا متهم دیگر این پرونده که با قرار وثیقه آزاد بود به جایگاه رفت و گفت: من فقط ۵ فقره خفت‌گیری را قبول دارم. فقط در یکی از سرقت‌ها چاقو در دست داشتم که چاقو را به سمت هیچ کدام از شاکیان نگرفتم. باور کنید فریب خوردم حتی در هیچ کدام از سرقت‌ها یک ریال هم نصیب من نشد. حالا هم رضایت شاکی‌ها را گرفته‌ام و پشیمان هستم.

وی ادامه داد: من قبلاً به خاطر اعتیاد به موادمخدر دست به سرقت می‌زدم اما بعد از این ماجرا در بیمارستان بستری و درمان شدم و حالا هم توبه کرده‌ام و از قضات می‌خواهم من را عفو کنند.

بعد از اظهارات متهمان ووکلای آنها، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

کلاهبرداری مادر و دختر برای تصاحب ارث بیشتر

گروه حوادث/ مادر و دختری که به خاطر به دست آوردن ارثیه بیشتر، به کلاهبرداری ۵۰ میلیارد تومانی دست زده بودند، دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۲۶ بهمن ماه سال ۹۹ مردی با مراجعه به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران از مادر و خواهرش به اتهام کلاهبرداری شکایت کرد.

او در توضیح ماجرا به مأموران گفت: پدرم یک کارخانه صندلی‌سازی داشت و مدتی قبل از دنیا رفت. پس از آن متوجه شدم که مادر و خواهرم با استفاده از اسناد عادی و رسمی صوری و یا باطل شده، پلاک ثبتی ملک پدری‌ام را در تهرانپارس، به نام خود منتقل کرده و خواهرم نیز خودروی پدرم را فروخته است.

پس از اظهارات شاکی مأموران پلیس آگاهی تحقیقات‌شان را آغاز کردند و مشخص شد که مادر شاکی با همکاری کارمند یکی از دفترخانه‌ها و با استفاده از سند وکالتنامه رسمی که بعد از فوت متوفی باطل شده بود، خانه متوفی و کارخانه صندلی‌سازی را به نام خود سند زده و همچنین خواهر شاکی نیز با تنظیم قولنامه‌ای صوری خودرو پدرش را فروخته است.

سرهنگ علی فرخ‌پور، رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ در این‌باره گفت: پس از پایان تحقیقات و محرز شدن اتهامات مادر و دختر نتیجه تحقیقات به مرجع قضایی ارسال و مجوز دستگیری متهمان و ۲ همدستشان گرفته شد و ۴ متهم پرونده دستگیر شدند.

وی در ادامه افزود: ۲ متهم اصلی پرونده پس از دستگیری و در همان مراحل اولیه بازجویی انگیزه خود را رسیدن به اموال بیشتری از ماترک متوفی اعلام کردند.

راننده تانکر در میان شعله های آتش سوخت

گروه حوادث/ برخورد شدید تانکر حامل سوخت با یک کانتینر و اتوبوس در سنندج منجر به انفجاری بزرگ و مرگ راننده در میان شعله‌های آتش شد.

سرهنگ برزو مرادی، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کردستان در تشریح این خبر گفت: یک تانکر حامل سوخت بامداد شنبه در بلوار دکتر حسینی سنندج براثر برخورد با ۲ خودرو منفجر شد که در اثر این حادثه راننده تانکر جان خود را از دست داد.

براساس نخستین بررسی‌ها، احتمال می‌رود این تانکر بر اثر سرعت بالا یا خواب آلودگی راننده از مسیر منحرف شده و به یک تانکر حامل کانتینر و اتوبوسی که در محل پارک شده بودند؛ برخورد کرده و منفجر شده است.

وی اضافه کرد: دراین حادثه علاوه بر تانکر سوخت به ۲ دستگاه خودرو پارک شده در مسیر نیز آسیب وارد شد اما با توجه به اینکه این خودروها سرنشین نداشتند فقط راننده تانکر بر اثر شدت جراحت جان خود را از دست داد.

رودخانه کرج جان خواهر فداکار را گرفت

گروه حوادث/ ۲ نفر از اعضای یک خانواده در رودخانه کرج دچار غرق شدگی شده بودند که یک نفر از آنها فوت کرد و نفردوم نجات یافت.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، در پی تماس شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر رؤیت جسد خانمی جوان در رودخانه کرج بلافاصله بررسی موضوع در دستور کار عوامل انتظامی قرار گرفت و با حضور مأموران در محل و بررسی‌های میدانی مشخص شد که اعضای یک خانواده برای تفریح به کنار رودخانه در اطراف سد کرج رفته بودند که پسر ۱۲ ساله خانواده به داخل رودخانه رفته و ناگهان شدت آب او را با خود برد که در این حین خواهرش برای نجات او به داخل آب می‌رود اما جریان آب باعث شد تا تعادلش را از دست بدهد.

سرهنگ محمد معظمی گودرزی فرمانده انتظامی شهرستان کرج در این باره گفت: پدر خانواده با دیدن این صحنه به داخل آب رفت و پسرش را نجات داد اما آب دختر را با خود برد و او فوت کرد و پس از ساعت‌ها جست و جو، در نهایت جسد دخترک در محدوده بیلقان یافت شد.

۵ کشته در تصادف جاده کوهپایه

گروه حوادث/ در پی برخورد یک دستگاه سواری پراید با سمند در محور کوهپایه کرمان، ۵ نفر جان باختند و ۳ نفر مجروح شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سرهنگ علی رضایی رئیس پلیس راه شمال استان کرمان در این‌باره گفت: پس از اعلام گزارش یک فقره تصادف در ساعات ابتدایی بامداد شنبه ۲۲ خرداد، تیم پلیس راه به همراه تیم‌های امدادی به کیلومتر ۲۱ محور کرمان - کوهپایه اعزام شدند که در بررسی اولیه مشخص شد یک دستگاه سمند تک‌سرنشین با یک دستگاه پراید با ۷ سرنشین برخورد کرده است و بر اثر این برخورد، ۵ نفر از سرنشینان خودروی پراید شامل یک دختربچه ۳ ساله، ۲ پسربچه ۷ و ۹ ساله و ۲ خانم ۱۸ و ۲۵ ساله به‌علت شدت جراحات وارده در دم فوت کرده‌اند.

راننده ۴۹ ساله سمند و راننده ۲۲ ساله پراید و یکی دیگر از سرنشینان پراید که دختر ۱۱ ساله‌ای بوده بشدت مجروح شده بودند که توسط عوامل امداد به بیمارستان اعزام شدند. علت این سانحه از سوی پلیس راهور در دست بررسی است.

وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان تهران

نوبت اول

آگهی مزایده عمومی

فروش خانه‌های سازمانی اداره کل راه و شهرسازی استان تهران سری هفتم ۱۴۰۰/۴

اداره کل راه و شهرسازی استان تهران در نظر دارد در راستای ماده ۸ قانون ساماندهی عرضه و توزیع مسکن مصوب ۱۳۸۷ (۴ قطعه) زمین مسکونی با مستحدثات داخل آن واقع در اسلامشهر - شهرک قائمیه - پشت کوچه ۴۳- روبه روی پارک شادی به‌شرح زیر را از طریق مزایده عمومی به‌صورت نقدی به‌فروش برساند.

ردیف	پلاک ثبتی	قطعه	مساحت	قیمت پایه	تضمین شرکت در مزایده
۱	۵۲/۳۶۰۰۱	۶	۲۹۲/۴۴	۳۵/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۷۸۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	۵۲/۲۵۹۹۸	۲	۲۹۱/۹۲	۳۵/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۷۶۷/۵۰۰/۰۰۰
۳	۵۲/۳۶۰۰۰	۵	۲۹۱/۳۸	۳۵/۴۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۷۷۳/۵۰۰/۰۰۰
۴	۵۲/۲۵۹۹۷	۴	۱۵۲۳/۸۱	۱۷۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰

اطلاعات کامل وکلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد و شرایط مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده‌گران و بازگشایی پاکت‌ها و ابلاغ برنده همگی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. صرفاً مزایده‌گرانی که ضمانت‌نامه بانکی تهیه کرده‌اند پس از اسکن و بارگذاری در سامانه باید تا تاریخ آخرین مهلت ارائه پیشنهاد، آن را در پاکت دربسته قرار داده و روی آن نام و نام خانوادگی، شماره ملی، آدرس ملک، ردیف آگهی و پلاک ثبتی که در مزایده شرکت نموده‌اند قید نموده و به دبیرخانه اداره کل راه و شهرسازی استان تهران به آدرس خیابان شهید سپهبد قرنی، خیابان کلانتری، پلاک ۸۰ تحویل نمایند.

مبلغ ودیعه شرکت در مزایده به یکی از دو صورت الف) واریز نقدی سپرده و یا ب) ضمانت‌نامه بانکی به‌مبلغ سپرده به‌حساب شماره ۴۰۷۴۰۶۳۱۰۷۸۶۵۳۰۶ به شناسه واریز ۴۰۰۳۱۰۳۸۳۰۰۰